

اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای به مادران بر بهبود عملکرد خانواده آنان

The Effectiveness of Transactional Analysis Training on Mothers to Improve Their Family Function

B. Javady, M. A. ✉

بهناز جوادی ✉

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی از دانشگاه علوم و تحقیقات

S. Hosseinian, Ph.D.

دکتر سیمین حسینیان

دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)

A. Shafiabadi, Ph.D.

دکتر عبدالله شفیع آبادی

استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت مقاله: ۸۸/۲/۲۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۶/۲۲

پذیرش مقاله: ۸۸/۸/۱۵

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effectiveness of transactional analysis training on mothers to improve their family function. A semi-experimental method was applied in this research. Statistical population consisted of all mothers of girl students in the state girl's high schools of the second district in Tehran. 50 mothers were selected through combination of cluster and

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای به مادران بر بهبود عملکرد خانواده آنان بوده است. روش پژوهش، نیمه تجربی بود. جامعه آماری شامل کلیه مادران دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های بزرگ دولتی منطقه دو شهر تهران بود که از طریق ترکیبی از روش نمونه‌گیری تصادفی و خوشه‌ای ۵۰ نفر (برای دو گروه ۲۵ نفری آزمایش و گواه) انتخاب شده و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند.

✉Correspornding author: Private Practice

Tel: +98-09111149992

Fax: +9821- 88257346

Email: behnaz_amal970@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، کوی نصر، خیابان سیزدهم، اداره آموزش

و پرورش منطقه ۲، واحد مشاوره

تلفن: ۰۹۱۱۱۱۴۹۹۹۲ دورنما: ۸۸۲۵۷۳۴۶

پست الکترونیکی: behnaz_amal970@yahoo.com

random sampling methods, divided randomly into two groups of 25 members called experimental and control, which assigned into two control and experimental groups.

Family assessment device (FAD) questionnaire, were filled at pre-test and post-test. The analysis of covariance test was carried out using SPSS software.

The results of the research show that this method is effective for improving the family function of the mothers. It means, transactional analysis training improves their "roles", "problem solving" and "affective responsiveness".

KeyWords: Transactional analysis, Family Function, mothers.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه سنجش خانواده (FAD)، می‌باشد که به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون مورد استفاده قرار گرفت. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس به وسیله نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش نشان دادند که این روش بر بهبود عملکرد خانواده مادران مؤثر می‌باشد. بدین معنا که آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای، «نقش‌ها»، «حل مسئله» و «ابراز عواطف» آنان را بهبود می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل ارتباط محاوره‌ای، عملکرد خانواده، مادران

مقدمه

خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می‌برند. خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. این نظام اجتماعی، مجموعه‌ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خود نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند. علاوه بر این، خانواده از یک ساخت نظام‌دار قدرت برخوردار است. صورت‌های پیچیده‌ای از پیام‌رسانی‌های آشکار و نهان را به وجود می‌آورد و روش‌های مذاکره و مسئله‌گشایی مفصلی در اختیار دارد که به آن اجازه می‌دهد تا تکالیف مختلفی را با موفقیت به انجام برساند. در چنین نظامی افراد به وسیله علائق و دلبستگی‌های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل به یکدیگر متصل شده‌اند. ممکن است از شدت وحدت این علائق و دلبستگی‌ها در طی زمان کاسته شود، لیکن باز هم علائق مزبور در سراسر زندگی به بقای خود ادامه خواهند داد (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۱، ترجمه حسین‌شاهی و همکاران، ۱۳۸۵). عملکرد (کارآیی) خانواده در اصل اشاره به ویژگی‌های سیستمی خانواده دارد. به بیان دیگر عملکرد خانواده یعنی توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات،

حل کردن تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده (پورتس و هاوول^۲، ۱۹۹۲؛ به نقل از کرامتی، مرادی و کاوه، ۱۳۸۴). همچنین، یکی دیگر از عوامل مؤثر در کارآیی خانواده سازماندهی است که موجب حفظ سیستم می‌شود. از سوی دیگر اعتقاد بر این است که سازماندهی خانواده با رضایت نقش و اعتبار عملکرد نقش در خانواده مرتبط می‌باشد (ویتیکر^۳ و همکاران، ۲۰۰۱). به نظر دیکستین^۴ (۲۰۰۷)، برای دستیابی به عملکرد مطلوب در سیستم خانواده، باید نقش‌ها، وظایف و تکالیف در بین همه اعضای خانواده به طور نظام‌مند و هماهنگ، سازمان داده شود. همچنین او معتقد است هماهنگی و توازن، رهبری و رابطه مؤثر، برای عملکرد بهینه، مهم هستند. از سوی دیگر دپاول^۵ (۲۰۰۶) بعضی از ویژگی‌های خانواده دارای عملکرد مطلوب را این‌گونه عنوان می‌کند: تعامل ارتباطی باز، کنترل و مهار فشارهای روحی و روانی به طور مؤثر، همدلی، رهبری، ابراز محبت و علاقه، مسئولیت‌پذیری شخصی.

اصولاً کارآیی یک خانواده به توانایی آن در مقابله با فشارهای روانی، تعارضات و مشکلات اشاره دارد. در عین حال، خانواده قادر است، نقش‌ها، وظایف و کارکردهایش را تحقق بخشد (مینوچین^۶، ترجمه ثنایی، ۱۳۷۳). از سوی دیگر شکست در برقراری ارتباط، یکی از رایج‌ترین مشکلاتی است که از سوی همسران ناراضی ابراز می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند با این‌که دشواری‌های ارتباطی، تنها علت اختلاف‌های زناشویی نیست، با این حال مشخص‌کننده روابط همسران پریشان است و به نظر می‌رسد مشکلات موجود را تشدید می‌کند (عزیزی، ۱۳۸۶).

فرآیند ارتباط در خانواده، یکی از زمینه‌های مورد علاقه مشاوران در خانواده‌درمانی است (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۳). همچنین یکی از جنبه‌های اساسی تعاملات انسانی، چگونگی برقراری ارتباط مؤثر فرد با دیگران است. بارکر^۷ (۱۹۸۶)، اپشتاین^۸ و همکاران (۱۹۸۳) بر این باورند که ارتباط، عامل معتبری برای ارزیابی عملکرد خانواده است و توانایی خانواده سالم برای ارتباط فکری و احساسی، بیشتر از خانواده‌های متوسط و یا دارای عملکرد بد است (کاتمن^۹، ۱۹۹۷؛ به نقل از صیادی، ۱۳۸۱). در سال‌های اخیر، توجه فزاینده‌ای به تأثیر روابط اعضای خانواده بر رشد فرزندان شده است. برخی از محققین، خانواده را به منزله سیستم در نظر گرفته و بر این نکته تأکید نموده‌اند که تأثیر خانواده به صورت یک واحد، خیلی بیشتر از مجموعه اجزای آن است. به طور کلی، مطالعات قبلی تأکید داشته‌اند که از یک‌سو، خانواده ناکارآمد، مرکزی است که در آن بزهکاری رشد می‌کند و از سوی دیگر، یک خانواده کارآمد می‌تواند فرزندان را تغذیه کرده و از آنها حمایت کند. اکثر مشکلات و ناسازگاری‌های رفتاری که ریشه در خانواده دارند، برخاسته از تعاملات درون خانواده‌ای می‌باشد که فرزندان، این تعاملات را غیرقابل تحمل یا حداقل، تند و خشن، درک می‌کنند (راچکین^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۰). به عقیده اپشتین بیشاپ^{۱۱}، ریان^{۱۲}، میلر و کیتتر^{۱۳} (۱۹۹۳)، به نقل از پیترسون^{۱۴} و گرین^{۱۵} (۱۹۹۹)

داشتن ارتباط مؤثر یک خصوصیت مهم و قوی در خانواده‌های سالم است. ارتباطات خانوادگی به راه‌های کلامی و غیرکلامی مبادله اطلاعات بین اعضای خانواده اشاره دارد. ارتباط، افراد را متوجه این مسئله می‌کند که دیگران چه می‌اندیشند و یا چه احساسی دارند و نکته مهم دیگر این که ارتباط، فقط صحبت کردن نیست، بلکه گوش دادن به دیگران است تا متوجه شویم آن‌ها چه می‌گویند. ارتباط مؤثر، تقریباً همیشه در خانواده‌های سالم و قدرتمند مشاهده می‌شود، در حالی که ارتباط ضعیف، معمولاً در خانواده‌های ناسالم دیده می‌شود.

تحقیقات انجام شده در زمینه اثرات عدم وجود ارتباطات صحیح و مناسب و عملکرد نامطلوب خانواده، پیامدهای سوء آن را بیشتر مشخص می‌کند. مثلاً جنیفر^{۱۶} و همکاران (۱۹۹۵) در تحقیق جامعی که بر روی ۱۱۵ نوجوان خانواده گسیخته انجام دادند به این نتیجه رسیدند که یک دسته از این نوجوانان پرخاشگر شده و با هیچ‌کس رابطه صمیمی برقرار نمی‌کنند و هیچ‌چیز در نظر آنان ارزشمند نیست. دسته دیگر افسرده، منزوی و گوشه‌گیر می‌شوند و افت تحصیلی شدید نشان می‌دهند. به هر حال سازگاری اجتماعی هر دو دسته به مراتب پایین‌تر از بقیه بود (موسوی، ۱۳۷۵). محققان همگی بر سر این نکته توافق دارند که روابط «والد - کودک» امری اشتراکی است که از توالی زنجیره‌ای تعاملات تشکیل شده است. شواهد فراوانی وجود دارد که والدین و کودکان، رفتارهایی دو جانبه دارند و در طول زمان، الگوهای تعاملی را توسعه می‌دهند.

آلن^{۱۷} (۱۹۹۸) معتقد است که با آموزش روش تحلیل ارتباط محاوره‌ای به افراد و به کار بردن این شیوه‌ها توسط آن‌ها، کیفیت زندگی‌شان بهبود می‌یابد. در زمینه تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر عملکرد خانواده، پژوهش کنگ^{۱۸} (۲۰۰۵) در یک دوره یک‌ساله، با تأکید بر اهمیت آموزش مهارت‌های ارتباطی بر روی دو گروه زوج، نشان داد که الگوی ارتباط سازنده متقابل، یکی از حفاظت‌کننده‌ترین عوامل در برابر استرس و زمینه‌ساز ایجاد رضایت، احساسات مثبت، حل تعارض و پایداری زناشویی است. هم‌چنین لورنز^{۱۹} (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که خودافشایی احساسی در بین همسرانی که الگوی ارتباطی سازنده دارند، بیشتر وجود دارد و هم‌چنین این زوجین از تعارضات زناشویی کمتری برخوردارند. اصلانی (۱۳۸۳) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های ارتباطی، کارایی خانوادگی دانشجویان متأهل را بهبود بخشیده است. یکی از شیوه‌های مؤثر آموزش الگوهای ارتباطی مؤثر، آموزش نظریه «تحلیل ارتباط محاوره‌ای^{۲۰}» است. این نظریه در سال ۱۹۵۰ توسط «اریک برن^{۲۱}» توسعه یافته است. برن معتقد است که شخصیت انسان به صورت سه حالت جداگانه من یعنی «من والد»، «من بالغ» و «من کودک» سازمان یافته است که در ارتباطات می‌تواند از هر کدام از این سه حالت استفاده کند (چپمن^{۲۲}، ۲۰۰۷). ارتباط «بالغ با بالغ»، «والد با والد» یا «کودک با کودک» دو نفر، تکمیلی هستند و به ارتباط‌هایی

منجر می‌شوند که هر دو طرف احساس می‌کنند که یکدیگر را می‌فهمند. تا وقتی تبادل‌های دو نفر مکمل یکدیگر باشند، ارتباط به آرامی و به نحو شایسته‌ای پیش می‌رود. تبادل‌های متقاطع زمانی صورت می‌گیرند که «حالت خود» مورد خطاب، حالتی نیست که پاسخ می‌دهد. تبادل شوهری که با «کودک» زنش شوخی می‌کند، زمانی قطع می‌شود که «بالغ» زن، در پاسخ به او بگوید که شوخی وی اصلاً بامزه نبود. راز کمک به زن و شوهرها از نظر مسائل ارتباطی، این است که به آن‌ها کمک کنیم از حالت‌های خود، آگاه شوند و تشخیص بدهند که این حالت‌ها، چگونه به جای این که مکمل هم باشند، یکدیگر را قطع می‌کنند. اگر آن‌ها بتوانند حالتی از خود را که در تبادل متقاطع درگیر است، بشناسند و به حالتی برگردند که مورد خطاب واقع شده است، قادر خواهند بود در تبادل‌های مکملی شرکت کنند که به‌طور نامحدود پیش می‌رود (پروچاسکا و نورکراس، ۱۹۹۹؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۵).

تحلیل ارتباط محاوره‌ای، یک روان‌شناسی اجتماعی و نیز روشی برای بهبود بخشیدن به ارتباطات است و در حقیقت یک تئوری جهانی ارتباط برای انواع گوناگون فرهنگ‌ها است (چپمن، ۲۰۰۷). هم‌چنین در این نظریه تلاش می‌شود، اشخاصی که تحت درمان قرار می‌گیرند، به درجه‌ای از رشد شخصی برسند که بتوانند راه حل مشکلاتشان را، خودشان بیابند (انجمن تحلیل ارتباط محاوره‌ای^{۲۳}، ۲۰۰۸). دیوید سون^{۲۴} (۲۰۰۷) نیز معتقد است تحلیل ارتباط محاوره‌ای، یک روش مؤثر، مفید و جذاب برای موفق شدن، رشد یافتن و کمک به افراد در کار و زندگیشان بوده و یک روش عالی برای رشد خودآگاهی و افزایش رشد شخصی است. بنابراین با توجه به پیشینه پژوهش و اهمیت و تأثیر ارتباط صحیح و مناسب در خانواده و با توجه به زیربنای علمی نظریه برن، تحقیق حاضر به بررسی اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر بهبود عملکرد خانواده برآمده است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهشی شامل کلیه مادران دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های بزرگ دولتی (غیر از کار و دانش و فنی و حرفه‌ای) منطقه دو شهر تهران است. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، ترکیبی از نمونه‌گیری تصادفی و خوشه‌ای است. به این ترتیب که ابتدا، لیست دبیرستان‌های بزرگ دولتی دخترانه منطقه دو آموزش و پرورش شهر تهران که تعداد دانش‌آموزان آن‌ها بالای ۳۰۰ نفر بود تهیه و سپس به روش تصادفی، یک دبیرستان انتخاب گردید. این دبیرستان ۳۳۷ دانش‌آموز داشت. در مرحله بعد برای مادران دانش‌آموزان، دعوتنامه فرستاده شد. تعداد ۱۸۲ نفر حاضر به همکاری شده و پرسشنامه (FAD)^{۲۵} را تکمیل نمودند. از این تعداد ۷۴ نفر نمره زیر حد نصاب کسب نمودند. سپس از بین این ۷۴ نفر، ۵۰ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شده و باز هم به صورت تصادفی در

دو گروه ۲۵ نفری کنترل و آزمایش قرار گرفتند. این دو گروه، مادرانی بودند که بین ۳۷ تا ۴۵ سال سن داشتند بدین شرح: ۲۸ نفر (۵۶٪) بین ۳۷ تا ۴۰ سال و ۲۲ نفر (۴۴٪) نیز بین ۴۱ تا ۴۵ سال را داشته‌اند، وضعیت تحصیلی آنان بدین شرح بود: ۱۴ نفر (۲۸٪) زیر دیپلم، ۲۶ نفر (۵۲٪) دیپلم و فوق‌دیپلم و ۱۰ نفر (۲۰٪) لیسانس و فوق‌لیسانس.

ابزار پژوهش

ابزار اندازه‌گیری در پژوهش حاضر، پرسشنامه سنجش خانواده (FAD) است که توسط «اپشتاین، بالدوین و بیشاپ» بر اساس الگوی «مک مستر^{۲۶}» تهیه شده است. این الگو، خصوصیات ساختاری، عملکردی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد. این پرسشنامه دارای دو فرم ۶۰ سؤالی و ۵۳ سؤالی است که از هفت خرده مقیاس تشکیل شده است. ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه توسط میرعنایت (۱۳۷۸)، امینی (۱۳۷۹) و رضایی (۱۳۷۸) محاسبه شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). فرم کوتاه و ایرانی این پرسشنامه (FAD-I) ۴۵ سؤالی می‌باشد. در این پژوهش از فرم ۴۵ سؤالی استفاده شد. نجاریان (۱۳۷۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سنجش خانواده (FAD-I)» که روی نمونه‌ای با حجم ۵۱۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران انجام داد، ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های نقش‌ها، حل مشکل و ابراز عواطف و کل مقیاس را در FAD-I به ترتیب ۰/۹۹، ۰/۷۵، ۰/۷۷ و ۰/۹۳ گزارش نموده است که در سطح $P < 0/01$ ، همه سازه‌ها معنادار بوده و همه سؤالات با کل مقیاس، همبستگی مثبت دارند. همچنین کرامتی، مرادی و کاوه (۱۳۸۴)، پایایی این آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ بدست آوردند. نجاریان (به‌نقل از صیادی، ۱۳۸۱) به منظور بررسی روایی این آزمون از روش تحلیل عاملی استفاده نمود و توانست سه سازه یا عامل را در این آزمون شناسایی و نامگذاری کند. این سازه‌ها عبارتند از: نقش‌های خانوادگی، حل مسئله، ابراز عواطف.

داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس به وسیله نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

شیوه اجرا

در این پژوهش، با توجه به مواردی که ذکر گردید، از روش «نیمه تجربی» با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون، استفاده شد. به این صورت که از هر دو گروه آزمایش و کنترل، پیش‌آزمون گرفته شد و گروه آزمایش به مدت ده جلسه یک و نیم ساعته، تحت اثر متغیر مستقل (آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای) قرار گرفت و گروه کنترل به دور از متغیر مستقل، نگه داشته شد. بعد از اتمام جلسات

آموزشی، از هر دو گروه آزمایش و کنترل، پس‌آزمون گرفته و سپس نمرات هر دو گروه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش آموزش

جلسه اول: هدف از تشکیل جلسات و قوانین آن برای اعضا توضیح داده شده و به منظور آشنایی با یکدیگر، اعضا خود را معرفی نموده و هر کدام یک عبارت هدفمند برای شرکت در جلسات بیان نمودند. در مورد تحلیل ارتباط محاوره‌ای و عملکرد خانواده، توسط مشاور، توضیحاتی داده شد.

جلسه دوم: هدف از این جلسه، آشنایی با اولین بعد شخصیتی در نظریه تحلیل ارتباط محاوره‌ای یعنی «من کودک» بود. در مورد حالت‌های مختلف آن یعنی کودک طبیعی (مثبت و منفی)، کودک تطابق یافته (مثبت و منفی) و کودک عصیانگر به همراه مثال‌های متنوع توضیح داده و برای جلسه بعد تکلیف داده شد.

جلسه سوم: در این جلسه، ابتدا تکالیف جلسه قبل بررسی شد. سپس در مورد قسمت «والد» شخصیت و انواع آن یعنی «والد» حمایت‌کننده، کنترل‌کننده، تغذیه‌کننده و سرزنش‌کننده و ابعاد مثبت و منفی هر کدام با ذکر مثال، آموزش داده شد و اعضا نیز مثال‌هایی از کاربرد «من والد» در زندگی خانوادگی‌شان مطرح نمودند که مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در خاتمه برای جلسه بعد تکلیف داده شد.

جلسه چهارم: پس از بررسی تکلیف جلسه قبل، در مورد قسمت «بالغ» شخصیت به همراه مثال، توضیح داده شد و اعضا نیز مثال‌هایی در مورد استفاده از «من بالغ» در زندگی خانوادگی‌شان مطرح نمودند که به کمک جمع گروه مورد بررسی قرار گرفت. برای جلسه بعد تکلیف داده شد.

جلسه پنجم: پس از بررسی تکلیف جلسه قبل، در مورد بیماری‌های شخصیت از نظر تحلیل ارتباط محاوره‌ای یعنی طرد، آلودگی و تسلط و مفهوم مجری‌گری با رسم شکل و مثال‌های متنوع توضیح داده شد. در پایان برای جلسه بعد تکلیف داده شد.

جلسه ششم: در این جلسه بعد از بررسی تکلیف جلسه قبل در مورد وضعیت‌های زندگی و رابطه و واحدهای ارتباطی آموزش داده شد. در خاتمه برای جلسه بعد تکلیف داده شد.

جلسه هفتم: پس از بررسی تکلیف جلسه قبل، انواع روابط محاوره‌ای یعنی: روابط موازی، متقاطع و پنهان آموزش داده شد. اعضا به صورت دو نفری در حضور بقیه، به تمرین روابط موازی و متقاطع و پنهان پرداختند. برای جلسه بعد تکلیف داده شد.

جلسه هشتم: در این جلسه بعد از بررسی تکالیف، در مورد رابطه سالم و چگونگی رسیدن به آن و مفهوم نوازش و انواع آن، آموزش داده شد. بعد از ذکر مثال‌های متنوع و پاسخ به سؤالات اعضا، برای جلسه بعد، تکلیف داده شد.

جلسه نهم: پس از بررسی تکلیف جلسه قبل، در مورد سه بخش مغز و تأثیرش در روابط، و چگونگی حل اختلاف آموزش داده شد. اعضا مثال‌هایی از اختلافات خانوادگی خود مطرح نمودند سپس به کمک دیگر اعضا، به بررسی راه‌های مختلف حل آن‌ها پرداختند. برای جلسه بعد تکلیف داده شد.

جلسه دهم: در این جلسه پس از بررسی تکلیف جلسه قبل، در مورد بازدارنده‌ها و سوق‌دهنده‌ها و ردیابی در نظریه تحلیل ارتباط محاوره‌ای و تأثیر آن‌ها در روابط، آموزش داده شد. در پایان جلسه، پس‌آزمون گرفته شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر به منظور تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل کوواریانس استفاده شده است. جدول ۱ مشخصه‌های توصیفی عملکردهای خانواده در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون را بر اساس دو گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی عملکردهای خانواده در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

نام متغیرها	گروه آزمایشی	مرحله آزمون	تعداد افراد	میانگین	انحراف معیار
عملکرد خانواده	آزمایش	پیش‌آزمون	۲۵	۱۱۰/۹۲	۲/۹۷
		پس‌آزمون	۲۵	۱۳۹	۱/۸۹
	کنترل	پیش‌آزمون	۲۵	۱۱۱/۴۴	۲/۷۲
		پس‌آزمون	۲۵	۱۱۱/۸	۲/۲۷
عملکرد نقش	آزمایش	پیش‌آزمون	۲۵	۵۱/۲۸	۱/۲۷
		پس‌آزمون	۲۵	۵۵/۵۲	۱/۱۵
	کنترل	پیش‌آزمون	۲۵	۵۱/۸۸	۱/۰۹
		پس‌آزمون	۲۵	۵۱/۷۲	۱/۰۲
عملکرد حل مسئله	آزمایش	پیش‌آزمون	۲۵	۴۱/۵۲	۱/۹۸
		پس‌آزمون	۲۵	۵۸/۷۲	۱/۶۷
	کنترل	پیش‌آزمون	۲۵	۴۲	۱/۷
		پس‌آزمون	۲۵	۴۱/۶۴	۱/۸
عملکرد ابراز عواطف	آزمایش	پیش‌آزمون	۲۵	۱۸/۱۲	۰/۸۸
		پس‌آزمون	۲۵	۲۴/۵	۰/۷
	کنترل	پیش‌آزمون	۲۵	۱۸/۰۴	۰/۸۴
		پس‌آزمون	۲۵	۱۸/۵۲	۰/۷۱

ملاحظه میانگین‌ها نشان می‌دهد که نمره‌های پیش‌آزمون عملکرد کل خانواده و خرده‌مقیاس‌های آن (عملکرد نقش، عملکرد حل مسئله و عملکرد ابراز عواطف) در گروه آزمایش و کنترل تفاوت چشمگیری ندارند. در صورتی که نمره‌های پس‌آزمون عملکرد کل خانواده و خرده‌مقیاس‌های آن (عملکرد نقش، عملکرد حل مسئله و عملکرد ابراز عواطف) در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل گزارش شده است.

قبل از اجرای آزمون تحلیل واریانس، فرض برابری واریانس‌های گروه‌ها برای ۴ متغیر وابسته اجرا شد، نتایج آزمون لوین برای عملکرد خانواده (df=۱ و F=۱/۵۵) ، برای عملکرد نقش (df=۱ و F=۰/۶۷) ، برای عملکرد حل مسئله (df=۱ و F=۰/۰۴) ، برای عملکرد ابراز عواطف (df=۱ و F=۰/۱۱) در سطح $P < 0/05$ معنادار نبود. از همین رو فرض همگنی واریانس‌ها برقرار است و می‌توان نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری را گزارش کرد. ابتدا آزمون‌های چندمتغیری برای بررسی اثرات نوع گروه آزمایشی (گروه شرکت‌کننده در جلسات آموزشی تحلیل ارتباط محاوره‌ای و گروهی که در این جلسات شرکت نکرده‌اند) بر ترکیب متغیرهای وابسته اجرا شد. نتایج این آزمون در جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول ۲: آزمون‌های چندمتغیری برای بررسی اثرات نوع گروه آزمایشی

نوع آزمون	ارزش مشاهده شده	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری
اثر فیلابی	۰/۹۸	۵۵۶/۹	۴	۴۱	۰/۰۰۱
لانداى ويلكز	۰/۰۱۸	۵۵۶/۹	۴	۴۱	۰/۰۰۱
اثر هاتلینگ	۵۴/۳۳	۵۵۶/۹	۴	۴۱	۰/۰۰۱
بزرگ‌ترین ریشه‌روی	۵۴/۳۳	۵۵۶/۹	۴	۴۱	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج جدول نشان می‌دهد اثر نوع گروه آزمایشی بر اساس چهار آزمون فیلابی، ویلکز، هاتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه‌روی در سطح $P < 0/05$ معنادار است. حال برای بررسی این نکته که معناداری، حاصل کدام یک از متغیرهای وابسته است، نتایج آزمون F تک‌متغیری در جدول بعدی نشان داده می‌شود.

جدول ۳: آزمون‌های F تک‌متغیری برای بررسی اثر نوع گروه آزمایشی بر متغیرهای عملکرد خانواده

منابع تغییرات	متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مشاهده شده	سطح معناداری	توان
گروه آزمایشی	عملکرد خانواده	۸۲۵۸/۳	۱	۸۲۵۸/۳	۱۸۴۵/۲	۰/۰۰۱	۰/۹۷
	عملکرد نقش	۱۷۵/۰۷	۱	۱۷۵/۰۷	۱۴۵/۹	۰/۰۰۱	۰/۷۶
	عملکرد حل مسئله	۳۲۳۶/۷	۱	۳۲۳۶/۷	۱۱۲۰/۹	۰/۰۰۱	۰/۹۶
	عملکرد ابراز عواطف	۴۳۳/۶۵	۱	۴۳۳/۶۵	۹۵۵/۵	۰/۰۰۱	۰/۹۵
خطا	عملکرد خانواده	۱۹۶/۹۱	۴۴	۴/۴۷			
	عملکرد نقش	۵۲/۷۶	۴۴	۱/۱۹			
	عملکرد حل مسئله	۱۲۷/۰۴	۴۴	۲/۸۸			
	عملکرد ابراز عواطف	۹۶/۹۶	۴۴	۰/۴۵			
کل	عملکرد خانواده	۷۹۶۱۶۴	۵۰				
	عملکرد نقش	۱۴۳۹۹۳	۵۰				
	عملکرد حل مسئله	۱۲۹۶۹۳	۵۰				
	عملکرد ابراز عواطف	۲۳۹۷۵	۵۰				

بر اساس یافته‌های موجود در جدول شماره ۳ با در نظر داشتن میزان خطا (تفاوت‌های فردی) F برای معناداری اثر گروه آزمایشی در متغیر عملکرد خانواده در سطح $P < 0.05$ معنادار است. همچنین توان مشاهده شده $power = 0.97$ است، بنابراین می‌توان گفت آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای، عملکرد خانواده گروه آزمایش را بهبود بخشیده است. F برای معناداری اثر گروه آزمایشی در متغیر عملکرد نقش در سطح $P < 0.05$ معنادار است. توان مشاهده شده $power = 0.76$ است. بنابراین یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهند که آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای توانسته است عملکرد نقش را نیز بهبود بخشد. همچنین F برای معناداری اثر گروه آزمایشی در متغیر عملکرد حل مسئله در سطح $P < 0.05$ معنادار است. توان مشاهده شده $power = 0.96$ است. در نتیجه تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند که آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای، عملکرد حل مسئله را بهبود بخشیده است. F برای معناداری اثر گروه آزمایشی در متغیر عملکرد ابراز عواطف در سطح $P < 0.05$ معنادار است. توان مشاهده شده $power = 0.95$ است. بنابراین یافته‌های آماری بیانگر این مسئله است که آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای، عملکرد ابراز عواطف را نیز بهبود بخشیده است. پس از حذف اثرات کوواریانس در جدول بعد به بررسی و مقایسه جفتی گروه‌ها در متغیرهای وابسته پرداخته می‌شود.

جدول ۴: مقایسه جفتی گروه‌ها در متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته	گروه ۱	گروه ۲	تفاوت میانگین گروه ۱ گروه ۲	خطای انحراف استاندارد	سطح معناداری
عملکرد خانواده	آزمایش	کنترل	۲۶/۸۹	۰/۵۹۲	۰/۰۰۱
	آزمایش	کنترل	-۲۶/۸۹	۰/۵۹۲	۰/۰۰۱
عملکرد نقش	آزمایش	کنترل	۳/۹۱	۰/۳۰۸	۰/۰۰۱
	آزمایش	کنترل	-۳/۹۱	۰/۳۰۸	۰/۰۰۱
عملکرد حل مسئله	آزمایش	کنترل	۱۶/۸۳	۰/۴۹۱	۰/۰۰۱
	آزمایش	کنترل	-۱۶/۸۳	۰/۴۹۱	۰/۰۰۱
عملکرد ابراز عواطف	آزمایش	کنترل	۶/۱۷	۰/۲۰۱	۰/۰۰۱
	آزمایش	کنترل	-۶/۱۷	۰/۲۰۱	۰/۰۰۱

بر اساس یافته‌های موجود در جدول ۴، تفاوت میانگین در تمامی متغیرهای وابسته عملکرد خانواده، عملکرد نقش، عملکرد حل مسئله و عملکرد ابراز عواطف در بین دو گروه آزمایشی در سطح $P < 0.05$ معنادار است.

بحث

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای، توانسته است عملکرد خانواده را بهبود بخشد. یافته‌های حاصل از تحلیل‌ها، همسو با نتایج تحقیقات لورنز (۲۰۰۶) است که دریافت، همسرانی که الگوی ارتباط سازنده دارند، از میزان تعارضات زناشویی کمتری برخوردارند. هم‌چنین کنگ (۲۰۰۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که الگوی ارتباط سازنده متقابل، یکی از حفاظت‌کننده‌ترین عوامل در برابر استرس و زمینه‌ساز ایجاد رضایت، احساسات مثبت، حل تعارض و پایداری زناشویی است. عزیزی (۱۳۸۶) بیان می‌کند درمان با رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای سبب کاهش تعارضات زناشویی زنان شده است. دانش (۱۳۸۵)، نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که آموزش روش تحلیل ارتباط محاوره‌ای به زوج‌های ناسازگار، سازگاری زناشویی ایشان را افزایش می‌بخشد که با یافته‌های این تحقیق، هماهنگ می‌باشد.

طبق نظر چپمن (۲۰۰۷)، تحلیل ارتباط محاوره‌ای در جهت بهبود ارتباطات پیشنهاد می‌کند که دو طرف تعامل، هر دو با قسمت «بالغ» شخصیت‌شان با هم ارتباط برقرار کنند تا ارتباط مکمل و آرام‌بخشی داشته باشند و اگر می‌خواهند از قسمت «والد» و «کودکشان» در ارتباطات استفاده کنند، از قسمت‌های مثبت آن، یعنی والد تغذیه‌کننده مثبت، والد کنترل‌کننده مثبت، کودک تطابق یافته مثبت و کودک طبیعی مثبت استفاده کنند. در نتیجه می‌توان گفت با ایجاد روابط مکمل و استفاده به موقع از حالات مختلف من (کودک، بالغ، والد) روابط صحیح و مناسب بین اعضای خانواده برقرار

شده و از بسیاری تنش‌ها و تعارضات و اختلاف‌ها، جلوگیری می‌شود و اعضا می‌توانند از توانایی‌های خود در حد امکان برای رشد و شکوفایی خویش استفاده نمایند.

همچنین یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد که آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای توانسته است عملکرد نقش‌ها را بهبود بخشد. نقش‌های خانوادگی، الگوهای تکراری از رفتار هستند که توسط افراد خانواده اجرا می‌شوند تا نیازها و عملکرد خانواده به طور رضایت‌بخشی تحقق یابد (پیترسون و گرین، ۱۹۹۹). طبق نظر اریک برن، فردی که از نظر «بالغ» باثبات باشد، آدمی واقع بین، منطقی و مسئول است و از بازی‌هایی که برای انداختن مسئولیت خود به دوش دیگری ترتیب یافته‌اند، پرهیز می‌کند. افرادی که بالغ‌شان به شدت شکسته و از کار افتاده است، نمی‌توانند وظایف‌شان را انجام دهند و سلطه‌جویانه رفتار می‌کنند. در این پژوهش تلاش گردید تا با آموزش نظریه تحلیل ارتباط محاوره‌ای به افراد، طریقه استفاده و تقویت قسمت بالغ شخصیت به آنان آموزش داده شود. یافته‌های حاصل از تحلیل‌های این پژوهش را می‌توان با نتایج پژوهش صادقی (۱۳۸۶) مبنی بر این که آموزش مهارت‌های ارتباطی در رابطه ولی - فرزندی مادران و دختران دارای ریسک فرار، موجب همانندسازی و کاهش آزرده‌گی سردرگمی نقش می‌شود، هماهنگ دانست.

نتیجه دیگر این تحقیق نیز بیانگر آن است که آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای توانسته است عملکرد حل مسئله را نیز بهبود بخشد. حل مسئله، توانایی خانواده برای حل کردن مسائل در یک سطح مشخصی است که منجر به حفظ عملکرد مؤثر خانواده می‌شود (پیترسون و گرین، ۱۹۹۹). طبق نظر انجمن تحلیل ارتباط محاوره‌ای (۲۰۰۸)، اشخاصی که تحت درمان مطابق با این شیوه قرار می‌گیرند، به درجه‌ای از رشد شخصی می‌رسند که بتوانند راه‌حل مشکلاتشان را خودشان بیابند. بر اساس نظریه برن، وقتی فرد یاد می‌گیرد که در موقعیت‌های متفاوت از حالات نفسانی مناسب (کودک، بالغ، والد) استفاده کند، توانایی بیشتری برای حل تعارضات و مشکلات پیدا می‌کند. نتایج این تحقیق با یافته‌های دپاول (۲۰۰۶) که دریافت خانواده‌هایی که از الگوی ارتباطی مناسبی برخوردارند، توانایی کنترل و مهار فشارهای روحی و روانی را به طور مؤثر دارند، همخوانی دارد. کنگ (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که الگوی ارتباط سازنده، زمینه‌ساز حل تعارض و پایداری زناشویی است. سینکلیر و موک (۲۰۰۴) نیز به نتایجی هماهنگ با نتایج این پژوهش دست یافتند. آن‌ها در تحقیق خود، نگرش استدلالی به گفتگوی تعارض در روابط زناشویی را بررسی کردند. بنابراین دیدگاه، همسران در بحث از مشکلات ارتباطی خود، به جای سرزنش، نکات برجسته تعارض را به شیوه‌ای استدلالی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. احساسات‌شان را به هم ابراز نموده و برای مشکلات خود راه‌حل، پیشنهاد می‌کنند. در نهایت به این نتیجه دست یافتند که کاربرد این روش، ابزار ساده‌ای است برای حل تعارضات، توصیف کمتر یکدیگر به عنوان مقصر و برقراری ارتباطی اثربخش.

یافته دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای توانسته است ابراز عواطف مادران را بهبود بخشد. بر اساس نظریه برن، افرادی که تحت آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای قرار می‌گیرند، یاد می‌گیرند که از کلک و بازی‌های خودفریب دست بردارند و از روابط مکمل به جای روابط متقاطع و پیچیده استفاده کنند تا بتوانند به صمیمیت بیشتری دست یابند. نتایج این تحقیق با عقیده دپاول (۲۰۰۶) که می‌گوید تعامل ارتباطی صحیح در بین اعضای خانواده سبب ایجاد همدلی و علاقه و محبت و درک احساسات یکدیگر می‌شود، همخوانی دارد. لورنز (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود دریافت که خودافشایی احساسی در بین همسرانی که الگوی ارتباطی سازنده دارند، بیشتر وجود دارد. در پژوهشی دیگر، ریدلی و اسلاوسک (۱۹۹۲) به این نتیجه رسیدند که برنامه بهبود بخشی ارتباط، میزان محبت ابراز شده زوجین را افزایش داده و ارتباطات آن‌ها را بهبود می‌بخشد که با نتایج این تحقیق، همسو می‌باشد.

نتایج حاصل از این پژوهش از این جهت قابل تحلیل است که یکی از علل مهم اختلال در عملکرد خانواده، عدم آگاهی افراد در مورد اهمیت ارتباط و شیوه‌های برقراری ارتباط مؤثر است. از طریق آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای، افراد به خودآگاهی و رشد شخصی می‌رسند و می‌توانند مشکلاتشان را خودشان حل کنند، یاد می‌گیرند که به جای ناامیدی و بحث‌های بی‌ثمر و مقصر دانستن یکدیگر، از طریق بهبود رفتار و تعاملشان، ارتباطی اثربخش و مطلوب با هم داشته باشند.

یادداشت‌ها

1. Goldenberg & Goldenberg
2. Portes & Hovel
3. Whittaker
4. Dickstein
5. DePaul
6. Minu Chin
7. Barker
8. Epstein
9. Quatman
10. Runchkin
11. Bishop
12. Ryan
13. Miller & kitner
14. Peterson
15. Green
16. Genifer
17. Allen
18. Kong
19. Lorenz
20. Transactional Analysis
21. Eric Bern
22. Alan Chapman
23. International Transactional Analysis Association
24. Davidson
25. Family Assessment Device
26. MC Master Model

منابع

اصلانی، خ. (۱۳۸۳). نقش مهارت‌های ارتباطی بر کارآیی خانوادگی دانشجویان متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

- پروچاسکا، ج.، و نورکراس، ج. (۱۳۸۵). *نظریه‌های روان‌درمانی* (ترجمه ی. سیدمحمدی). تهران: انتشارات رشد. (انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۹).
- ثناپی، ب. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.
- دانش، ع. (۱۳۸۵). تأثیر روش تحلیل ارتباط محاوره‌ای در سازگاری زناشویی زوج‌های ناسازگار. خلاصه چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران (ص. ۱۶۹). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- صادقی، س. (۱۳۸۶). *بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی در رابطه ولی- فرزند ماداران و دختران دارای ریسک فرار در دانش‌آموزان دختر نواحی آموزش و پرورش کرج*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- صیادی، ع. (۱۳۸۱). *بررسی و مقایسه اثرات متقابل کارآیی خانواده در بروز مشکلات روانی نوجوانان از نظر دختران و پسران پایه سوم متوسطه شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- عزیزی، پ. (۱۳۸۶). *بررسی اثربخشی درمان گروهی با رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای برن بر کاهش تعارضات زناشویی زنان شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- گلدنبرگ، الف، و گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۵). *خانواده‌درمانی* (ترجمه ح. ر. حسین شاهی و س. نقشبندی). تهران: انتشارات روان. (انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۰).
- کرامتی، ه.، مرادی، ع.، و کاهه، م. (۱۳۸۴). *بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روان‌شناختی فرزندان شاهد. فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، ۴ (۱۱)، ۷۵-۵۶*.
- موسوی، ر. (۱۳۷۳). *بررسی و مقایسه عوامل مؤثر در رضایت‌مندی زناشویی در سه گروه پزشکان، کارمندان و کارگران شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- میرعنایت، ا. (۱۳۷۸). *بررسی رابطه تأهل و تجرد با سلامت عمومی زنان ۲۰-۳۵ ساله*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن.
- مینوچین، س. (۱۳۷۳). *خانواده و خانواده‌درمانی* (ترجمه ب. ثناپی). تهران: انتشارات امیرکبیر. (انتشار به زبان اصلی: ۱۹۷۴).
- نجاریان، ف. (۱۳۷۴). *عوامل مؤثر در کارآیی خانواده: بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سنجش خانواده (FAD-I)* پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن.
- نوابی نژاد، ش. (۱۳۸۳). *مشاوره ازدواج و خانواده درمانی*. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- Allen, B. (1998). Scripts- the role of permission. *Transactional Analysis Journal*, 2,(2), 72-74.
- Chapman, A. (2007). *Eric Berne's transactional analysis parent adult child model, theory and history article* [On-line]. Available: <http://www.businessballs.com/transaction.html>
- Davidson, C. (2007). *Transactional analysis, Eric Berne, theory examples, articles, diagrams, parent, adult, child* [On-line]. Available: <http://businessballs.com/transaction-analysis.html>
- DePaul, N. (2006). Healthy family functioning relationship advice & relationship tips. *Council for Relationships*, (215), 382-680 .
- Dickstein, S. (2007). Family mealtime functioning, maternal depression, and early childhood outcomes. *Journal of Family Psychology*, 12, 23-40.

- Kong, S. S. (2005). A marital-relationship enhancement program for couples: Randomized controlled trial. USA, Department of nursing, soonchunhyang university, chonan city, Korea. kongsun@sch.ac.kr. 35, 991-995.
- Lorenz, O., Conger, R. D., Melby, J. N., & Bryant, C. M. (2006). Observer, self and partner reports of hostile behaviors in romantic relationship. *Journal of Marriage and Family*, 65, 1163-1165.
- Peterson, R., & Green, S. (1999). Families first- keys to successful family functioning: Communication [On-line]. Available: <http://www.ext.vt.edu/pubs/family/350-092-350-920>.
- Peterson, R., & Green, S. (1999). Families first- keys to successful family functioning: Problem solving [On-line]. Available: <http://www.ext.vt.edu/pubs/family/350-091/350-091.html>
- Peterson, R., & Green, S. (1999). Families first- keys to successful family functioning: Family roles [On-line]. Available: <http://www.ext.vt.edu/pubs/family/350-093/350-093.html>
- Ridley, C. A., & Sladeczek, I. E. (1992). Premarital relationship enhancement: Its effects on needs to relate to others. *Family Relations*, 41, 148-153.
- Runchkin, E., & Kopolov, B. (2000). Family functioning, parental rearing and behavioral problems in delinquents. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 7, 310-319.
- Sinclair, S. L., & Mouk, G. (2004). Moving beyond the blame game: Toward discursive approach to negotiating conflict within couple relationship. *Journal of Marital and the Family Therapy*, 27, 335-342.
- The International Transactional Analysis Association (2008). The training & certification council of transactional analysis, Inc. [On-line]. Available: <http://www.ITAA-net.Org/index.html>
- Whittaker, A. E., & Robitshek, S. (2001). Multidimensional family functioning. *Journal of Counseling Psychology*, 48(4), 420-427.